

# ضرورت الکوئزیری و عوامل الکوئزیری دختران

نویسنده : علیرضا احمدی

## مقدمه :

با شکست تمامی ترفندهایی که برای نابودی انقلاب اسلامی ملت ایران ، از سوی دشمنان ، به کار گرفته شده ، امروز استراتژی استکبار جهانی ، ترویج فرهنگ فساد در بین جوانان و بویژه فرهنگ ابتذال و بی عفتی در بین زنان و دختران و دور کردن جوانان از معنویت می باشد تا به تدریج جامعه اسلامی ایران که امید مسلمانان و مستضعفان جهان است استحکام خود را از درون از دست داده ، در برابر فشارهای داخلی و خارجی فرو پاشد و این کانون نور خاموش گردد .

برای جلوگیری از روند روز افزون بدحجابی زنان و دختران تحقیقات و بررسی های گسترده ای ضروری به نظر می رسد .

در این نوشتار بر حسب یک وظیفه ی انسانی اسلامی برآنیم که طی چند فصل به بیان ضرورت الگوشناسی و علل عوامل الگوپذیری و الگو گریزی دختران پردازیم .

## الگو شناسی

### انسان نیازمند الگو

برای اینکه راه صحیح زندگی در همه ابعاد و جوانبش شناخته شود باید آغاز و انجام وجود انسان ، پیوندهایی که با موجودات دیگر دارد و روابطی که می تواند با همنوعان و سایر آفریدگان برقرار کند و نیز تأثیراتی که انواع روابط گوناگون می تواند در سعادت یا شقاوت او داشته باشد ، معلوم گردد .

هر کس در انگیزه های درونی و تمایلات روانی اش دقت کند خواهد دید که ریشه بسیاری از آنها رسیدن به کمال است . اساساً انسان دوست ندارد نقصی در وجودش باشد و سعی می کند هر گونه کمبود و نارسایی و عیب و نقصی را تا سر حد امکان برطرف سازد تا بتواند به کمال مطلوبش برسد .

او پیش از برطرف شدن نقص ها ، آنها را از دیگران پنهان می دارد . این میل در صورتی که در مسیر فطری خودش جریان یابد عامل هر گونه ترقی و تکامل مادی و معنوی می شود . اما اگر در اثر اسباب و شرایط در مسیر انحرافی بیفتد موجب بروز صفاتی چون ، بزرگ فروشی ، ریاکاری ، ستایش طلبی و ... می گردد .<sup>۱</sup>

هدف از آفرینش انسان این است با انجام عبادات و اطاعت خدای متعال ، شایستگی دریافت رحمت هایی را پیدا کند که ویژه انسانهای کامل است ، لذا یکی از مهمترین عوامل تربیت و رشد و تکامل انسان ، وجود الگو و نمونه رفتار است ؛ به این دلیل که واقعیت های دنیا آنقدر متفاوت و پیچیده است که خیلی وقت ها نمی توانیم خوب را از بد ، یا حق را از ناحق تشخیص دهیم ، ولی در صورتی الگوی مطمئن داشته باشد می تواند با اطمینان کردن به او از خیلی از مشکلات نجات یابد . یعنی الگو به انسان بینش می دهد . از این نظر ما برای رفتارها و منش زندگیمان نیازمند به الگو هستیم .

بسیاری از مواقع ما می دانیم کاری خوبست . ولی باز هم انگیزه لازم برای انجام آن را نداریم لذا وقتی بدانیم کسی که دوستش داریم همین کار را انجام می دهد . ما هم برای انجام آن انگیزه پیدا می کنیم . (یعنی الگو گرایش به انجام کار را به ما می دهد .)

ما اگر قبول داشته باشیم فطرت انسانها فطرتی ثابت است و خیلی از ارزش های اساسی زندگی هم در طول زمان ثابت اند ؛ مثل راستگویی ، وفاداری ، ایثار و ... که همیشه خوب بوده و برعکسش بد ! چون الگو مدلی است که انسانها بر اساس آن ، ارزش های استوار و معیارهای اصلی زندگیشان را انتخاب می کنند ، الگو هم می تواند همیشه ثابت باشد و محدود به زمان نباشد ؛ البته به این شرط که الگو از زمان خودش و در کل از محدوده زمان و مکان فراتر بوده و الگوی کامل باشد .<sup>۲</sup>

۱- محمد تقی مصباح یزدی ، آموزش عقاید ، ص ۱۷۹ ، ناشر دارالثقلین ، چاپخانه پاسدار اسلام . چاپ اول ۱۳۷۸ قم .

۲- امیر حسین بانکی ، دختران آفتاب ، ص ۴۱۱ ، سروش ، انتشارات صدا و سیما ، چاپ سوم ، ۱۳۸۴ ، تهران .

انسان برای زندگی خود نیازمند الگو است ، الگوی قابل اعتمادی که بتواند به آن اطمینان نماید زیرا اگر الگو مطمئن نباشد انسان گنجینه عمرش را از دست می دهد بنابراین جستجوی این گونه الگو وظیفه هر انسانی است . انسانها به میزانی که از عقل بیشتر بهره مند می شوند ضرورتشان به الگو را بیشتر در می یابند . فلسفه و حکمت مبعوث شدن انبیاء هدایت تشریحی است ، لذا انسانهای عاقل باید به وصایای تمام پیامبران خصوصاً آخرین راهبر رسول اعظم (ص) گوش فرا دهند که می فرمایند :

« انی تارک فیکم الثقلین کتاب ا... و اهل بیتی انهما لا یفترقا حتی یردا علی الحوض »

من دو گنجینه گرانبها در میان شما به یادگار می گذارم کتاب خدا و اهل بیتم ، این دو از همدیگر جدا نمی شوند تا اینکه در کنار حوض کوثر بر من وارد شوند .

این دو ثقل در حقیقت یکی هستند و می بایست از آنها درسها گرفت و الگوی زندگی خود را بر اساس آندو برنامه ریزی نمود . این الگوها محدود به یک عرصه نیستند ، تمام عرصه های زندگی اعم از فردی ، خانوادگی ، اجتماعی و ... را در بر گرفته و الگوهای رفتاری قابل اطمینان را ارائه می دهند . با بکار بستن سیره و کلام این الگوها مدل رفتاری حیات طیبه نصیب انسان می شود ، زندگی پاکی به دور از هر نوع اضطراب و نگرانی بیهوده ای به زندگی که سر تاسر نور و معنویت باشد .

بنابراین الگوی شخصیت زن به عنوان نخستین و مهمترین پیش نیاز برای هر گونه برنامه ریزی صلاح وضعیت جامعه زنان به سمت نقطه ی مطلوب است . الگو را نمی شود بر کسی تحمیل نمود چرا که الگوی تحمیلی الگوی جالبی نخواهد شد .

اعتقاد آن است که برای جوان مسلمان بخصوص مسلمانی که با زندگی ائمه (صلوات الله علیهم) و خاندان پیامبر (ص) آشنایی داشته باشد الگوگیری امری مشکل نیست و در این زمینه الگو هم کم نیست . وجود مقدس فاطمه زهرا (س) ، حضرت معصومه (س) و سایر زنان بزرگ از صدراسلام تا کنون .

## نقش الگو در زندگی انسان

در دین شناختی شخصیت و مسائل زنان یک امر حیاتی ، مساله الگوسازی و الگودهی است . برای کمتر کسی تردیدی در نقش تربیتی و سازندگی الگو در زندگی آدمی وجود دارد . اگر هیچ تحلیل روانشناختی و دلیل علمی بر نقش اساسی الگوها در شکل گیری شخصیت فرد و نحوه سلوک او و نیاز همه جانبه ای که به الگو دارد ، وجود نداشته باشد ، جز همان تجربه گسترده ای که هر فرد در زندگی شخصی در این خصوص دارد و احساس نیاز به الگو و تاثیر آن را عملاً و از درون در خود یافته و می یابد ، در ضرورت اهتمام به این مهم کفایت می کند ، به ویژه برای کسانی که احساسات و عواطف قوی و پرتاثیر آنان احساس الگوخواهی و زمینه تاثیرپذیری از الگوها را در آنان دو چندان می سازد .

آدمی همواره یک نگاه او به واقعیت موجود خود است و نگاه دیگرش به نقطه ای است که خود را شایسته وصول به آن می داند . یا لاقلاً آرزوی دستیابی به آن را دارد . یک چشم به کاستیها و استعدادهای

کنونی و یک چشم به آرمانها ، اهداف و وضعیت مطلوبی که برای خویش ترسیم می کند دارد . هر کس می کوشد فاصله میان واقعیت موجود و حقیقت مطلوب را به حداقل برساند و این اصلی است مشترک میان آدمیان و تردیدی در آن نیست .<sup>۱</sup>

نیک می دانیم که آنچه میان آدمیان متفاوت است واقعیت های متفاوت « موجود » و آرمانها و واقعیت های بسیار متفاوت « مطلوب » است . هر کس شخصیت و واقعیت وجود خویش را در آینه آینده به گونه ای می بیند و یا می طلبد و یا لاقط آرزو می کند ، حتی اگر آرزویی دست نیافتنی باشد . خوشبختی ، همان حقیقت مطلوب ، واژه ای نیست که همه یک معنا و یک تفسیر از آن داشته باشند .

تلاش عمده پیامبران الهی (ع) و سرآمد همه آنان ، پیامبر خاتم (ص) و اولیاء اسلام (ع) آشنا ساختن آدمیان با چهره واقعی خوشبختی یعنی همان « حقیقت مطلوب » است که کمال طلبی هر کس آن را فریاد می کند و در پی آن می باشد .

الگوها به فراخور جاذبه ای که در شخص ایجاد می کنند نه فقط دست مایه نحوه شکل گیری شخصیت آدمی می شوند بلکه مایه ای برای تشخیص اجتماعی و میزانی برای نمود بیرونی وی و معرفی او می گردند و بدین صورت انسان را به خوشبختی و سعادت رهنمون می گردند .

ادیان آسمانی ، و در چهره کامل آن قرآن کریم این زمینه غریزی و نیاز فطری آدمیان به الگو را فرصتی بس مغتنم دانسته و همواره در کنار رهنمودهای خویش و در جهت رسالت هدایت گری خود ، نمونه های عینی و الگوهای تجربه شده بشری را پیش چشم آنان گذاشته و در وصف آنان سخن گفته و مستقیم و غیر مستقیم آنها را در همان نقطه هایی نصب العین آدمیان قرار داده که در دعوت خویش ، بشر را به آن نقطه فرا می خواند ؛ مثالها و نمونه هایی از میان خود آدمیان و از جنس آنان و در شکل و شمایل آنان . نمونه های عینی را در حیات و ملمات الگو شمرده است و از هر فرصتی برای توجه دادن به آنان استفاده کرده و از الگوپذیری از افراد ناباب شدیداً نهی نموده است .

مولای متقیان امام علی (ع) ؛ تاثیرپذیری الگو در زندگی را اینگونه بیان می فرماید :

« آگاه باشید ! هشدار ! از پیروی کردن از بزرگان و شخصیت هایی که بیش از موقعیت اجتماعی و خانوادگی خود انتظار دارند ، کسانی که با گناه کردن بر خدا طغیان کردند و با همه نشانه های روشن ، خدا را انکار کردند . از افراد پست پیروی نکنید کسانی که از اخلاص شما سوء استفاده می کنند و سلامت اخلاق شما را با اخلاص مریض خود در هم آمیخته اند ، باطنشان را با حق شما مخلوط کردند این گروه ریشه و اساس گناهان می باشند . »<sup>۲</sup>

۱- ضیاء مرتضوی ، امام خمینی و الگوهای دین شناختی در مسایل زنان ، ص ۵۹-۶۰ ، مجله پیام زن مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی ، چاپ اول ، بهمن ۱۳۷۸ ، قم .

۲- سید محمد مرتضوی ، اصولها و روشها در نظام تربیتی اسلام ، ص ۱۹۲- انتشارات گل نشر ، ج ۱ ، ۱۳۷۵ ، مشهد

## معرفی الگوی صحیح از دیدگاه قرآن و سنت

اگر انسانی وارسته شد الگوی دیگر انسانها است. اگر مرد است الگوی مردم است نه مردان و اگر زن باشد نیز الگوی مردم است نه زنان. این مطلب را قرآن به صورت صریح روشن کرده است و ذات اقدس اله رسول خدا را به عنوان رحمت جهان شمول معرفی نموده و می فرماید:

« و ما ارسلناک الا رحمة للعالمین »<sup>۱</sup> یا « و ما ارسلناک الا کافة للناس »<sup>۲</sup> ، « للعالمین نذیر »<sup>۳</sup>

و آیات فراوان دیگری نیز هست که جهان شمول بودن دعوت نبی اکرم (ص) را تفهیم می کند از سوی دیگر در سوره احزاب می فرماید:

« لقد کان لکم فی رسول... اسوة حسنة »<sup>۴</sup>

قطعاً رسول خدا (ص) برای شما سرمشق نیکوست.

کلمه « لکم » خطاب به مردان نیست، بلکه خطاب به مردم است، و همان طوری که می دانیم فرهنگ قرآن فرهنگ محاوره است، و در محاوره وقتی می گویند مردم، منظور مردان در مقابل زنان نبوده، بلکه منظور توده ناس است. اگر طبق آیات اولیه بگوئیم، رسول اکرم (ص) نذیراً للعالمین، رحمة للعالمین، کافة للناس است، دیگر صحیح نیست که ما در آیه سوره احزاب بگوئیم که رسول خدا (ص) فقط الگوی مردان است، بلکه باید گفت او الگوی مردم است. همچنانکه ذات اقدس اله ابراهیم خلیل « علیه و علی نبینا و آله افضل الصلوات » را هم اسوه مردم دانسته و می فرماید:

« مله ابيکم ابراهیم »<sup>۵</sup>

این کلمه « ابيکم » خطاب به مردم است نه مردان و در جای دیگر می فرماید:

« و کانت لکم اسوة حسنة فی ابراهیم و الذین معه »<sup>۶</sup>

حقیقتاً ابراهیم و همراهان او برای شما سرمشق نیکو هستند.

یعنی شما مردم، به ابراهیم و همراهان ابراهیم (ع) تأسی کنید، نه شما مردان، این ضمیر جمع مذکر سالم بر اساس فرهنگ محاوره، خطاب به مردم جامعه است، نه مردان.<sup>۷</sup>

۱- انبیاء، ۱۰۷.

۲- سباء، ۲۸.

۳- فرقان، ۱.

۴- احزاب، ۲۱.

۵- حج، ۷۸.

۶- مملحنه، ۴.

۷- عبدا... جوادی آملی ، زن در آینه جلال و جمال ، ص ۱۵۲ ، مرکز نشر اسراء ، چاپخانه اسوه ، چاپ اول ۱۳۷۵ . قم . پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت ایشان (ع) برنامه ی دقیقی برای زندگی خود داشته اند و سفارش های فراوانی به یاران و پیروان خود نموده اند که آنان نیز زندگی با برنامه و هدفمندی طراحی نمایند . ما می توانیم با نگاه به سیره ی آنان در زندگی بهترین برنامه ها را برای خود تنظیم کنیم و راه سعادت و خوشبختی را بیماییم . با توجه به این آیه :

« لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اِ... اَسْوَةٌ حَسَنَةٌ »<sup>۱</sup>

اسوه کسی است که می توان به راه او رفت و از او متابعت کرد . البته این بدان معنا نیست که حتماً عین او باشیم . ما فقط می توانیم به این الگو نزدیک شویم . آنها در بی نهایتند ، اصولاً الگو باید متعالی باشد و به بی نهایت متصل ، تا در هیچ حدی راه به سمت او مسدود نشود ، هر چه ما به این الگوها نزدیک تر شویم . و موفق تر باشیم ، از نور وجودشان بیشتر بهره مند می شویم و برای دیگرانی که از ما عقب ترند الگو قرار می گیریم .<sup>۲</sup>

الگوی کامل ، ما را از وجود بقیه الگوها بی نیاز نمی کند ! یعنی الگوی کامل راه را به ما نشان می دهد و در مسائلی که به مقتضیات زمان و مکان مربوط می شود شخص می تواند از الگوهای دیگری که در همان راه قدم بر می دارند ، استفاده نماید .

امیرمومنان علی (ع) به یکی از فرماندارانش به نام عثمان بن حنیف ، چنین می نویسد :  
« آگاه باش که مردم نیازمند امامی هستند که از وی پیروی کنند و به نور دانش او روشنی جویند . حال امام شما علی از دنیای خود به دو لباس کهنه و برای خوارکش به دو قرض نان اکتفا کرده . البته شما قادر به چنین زندگی سختی نیستید . ولی از شما می خواهیم که با پرهیزگاری و کوشش و پاکدامنی و درستکاری مرا یاری کنید . »<sup>۳</sup>

قرآن مجید افرادی را به عنوان الگو معرفی می کند که یک درصد خطا در افکار و ذهنشان وجود ندارد و هر چه می گویند و هر راهی را که به بشر نشان می دهند تضمین کننده سعادت دنیا و آخرت اوست .

۱- احزاب ، ۲۱ .

۲- دکتر مهدی اعتصامی ، دکتر عباس جواد شکیان ، دین و زندگی (قرآن و تعلیمات دینی ۱) اداره کل چاپ و توزیع کتابهای درسی ، چاپخانه شرکت ، چاپ و نشر کتاب های درسی ایران ، چاپ پنجم ۱۳۸۵ ، تهران .

۳- نهج البلاغه ، محمد دشتی ، نامه ۴۵ .

بنابراین مطمئن ترین راه سعادت مردم و نجات جامعه از انحراف و عدم سقوط آن ، پیروی از خاندان عصمت و طهارت هستند . همان خاندانی که قرآن کریم آنان را معصوم و دور از هر خطا و منزه از هر گونه آلودگی معرفی کرده است . بر همین اساس امام هادی (ع) در زیارت جامعه می فرماید :

« وَالْمَثَلِ الْأَعْلَى »<sup>۱</sup>

ائمه معصومین (ع) برترین مثل و الگوهای عملی جامعه هستند .

و از طرفی این خاندان در راه تحقق آرمان های الهی و پیاده نمودن احکام اسلامی و رساندن مردم به سعادت از همه چیز گذشتند ، حتی جان و بالاتر از آن آبروی خویش را نثار کردند و در برابر دشمنان و جاهلان استقامت نمودند ، حتی اگر دشمنان از بستگان نزدیکشان بودند ، چنانکه حضرت ابراهیم (ع) در برابر عموی خود آزر و حضرت محمد (ص) در برابر عموهای خود ابولهب و ابوجهل ایستادگی کردند ، دین و سعادت مردم و هدایت آنان را بر همه چیز ترجیح دادند و در تمام طول عمرشان یک لحظه دست از مبارزه برنداشتند تا پرچم توحید را در جامعه به اهتزاز در آورند و محبت و عشق خداوند را در دلها حاکم کردند . آری اینگونه است که در زیارت عاشورا می خوانیم .

اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَحْيَايَ مَحْيَا مُحَمَّدٍ و آلِ مُحَمَّدٍ و مَمَاتِي مَمَاتِ مُحَمَّدٍ و آلِ مُحَمَّدٍ

خداوندا ! زندگی و مرگ مرا مانند زندگی و مرگ محمد (ص) و خاندان پاکش قرار بده .

و در حدیثی از رسول بزرگوار (ص) در شأن و مقام حضرت زهرا (س) می خوانیم :

أَمَّا إِنَّهَا سَيِّدَةُ النِّسَاءِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ .<sup>۲</sup>

بدانید او بانوی تمام زنان در قیامت است .

بر اساس معرفی قرآن و اسلام آنچه به این انسان ارزش می دهد همان علم و ایمان و تقوی و ملکات فاضله انسانی است و با توجه به این معیارهاست که بانوی اسلام فاطمه زهرا (س) برترین زنان جهان معرفی شده است .<sup>۳</sup>

۱- مفاتیح الجنان ، زیارت جامعه ، مرحوم شیخ عباس قمی ، ص ۱۰۳۷ ، مترجم : رضا مرنندی ، انتشارات ولی عصر ، چاپ فقیه ، نوبت اول زمستان ۱۳۸۰ ، لیتوگرافی صدف ، قم .

۲ و ۳ - ناصر مکارم شیرازی ، زهرا برترین بانوی جهان ، ۶۳ انتشارات نشر و لیتوگرافی سرور ، چاپ سرور ، نوبت دهم ، ۱۳۸۱ ، قم .

## زنان الگو در قرآن

در نظام الهی معرفی قهرمانها و نمونه های برتر بشری ، مختص مردان نیست ، بلکه در کنار تمامی اولیاء الهی ، زنانی نمونه به عنوان نمونه های سرآمد تاریخ مطرح گردیده اند .

### آسیه همسر فرعون اسوه ایمان

« و ضرب الله مثلاً للذین آمنوا امرأة فرعون اذا قالت رب ابن لی عندک بیتاً فی الجنة و نجنی من فرعون و عمله و نجنی من القوم الظالمین .<sup>۱</sup> »

برای کسانی که ایمان آوردند خداوند همسر فرعون را مثل آورد ، آنگاه که گفت پروردگارا پیش خود در بهشت برای من خانه ای بساز و مرا از فرعون و کردارش نجات بخش و مرا از دست مردم ستمگر برهان» .  
عبیر قرآن در این آیه این نیست که همسر فرعون نمونه زنان خوب است بلکه زن خوب نمونه جامعه دینی است و جامعه برین از این زن الگو می گیرد ، نه این که فقط زنان باید از او درس بگیرند بلکه جامعه باید از او درس بگیرد . برآستی می توان گفت که از بدو خلقت آدم ابوالبشر ، در خانواده کفر ، زنی با این ایمان و یقین در دوستی خدا به دنیا نیامده است . که صاحب خانه ادعای :

« أنا ربکم الأعلى<sup>۲</sup> »

پروردگار بزرگتر شما منم .

- و شعار « ما عملت لکم من الهه غیری »<sup>۳</sup>

برای شما خدایی غیر از خودم نمی شناسم . « و زن تا سر حد ایثار جان خدا باور باشد .  
قرآن فضیلت‌هایی را برای این بانو ذکر می کند و مهمترین آنها را در بعد دعا می داند .  
در این دعاها این بانو عرض می کند : نه تنها مرا از فرعون نجات بده بلکه مرا از کار او که شرک است ، رهایی بخش و نه تنها از ستم او نجات بده ، بلکه از ستمکاری هم مرا برهان و نجات بده از این که مظلوم یا ظالم باشم ، مرا نجات بده که زیر بار شرک او نروم و داعیه ربوبیت در سر نپرورانم .  
بنابراین بانویی که تا این حد عالی می فهمد و در خواسته هایش تبری و تولی داشته و مسائل اجتماعی و فردی را از ذات اقدس اله مسألت می کند ، آیا این زن نمونه ، تنها نمونه زنان است ؟ یا به تعبیر قرآن کریم نمونه مردم جامعه است .

۱- تحریم ، آیه ۱۱ .

۲- نازعات ، ۲۴ .

۳- قصص ، ۳۸ .

## مریم ؛ مظهر عفاف

مریم دختر عمران ، به عنوان الگوی مردان و زنان معرفی شده است :

« و ضرب ا... مثلا للذین آمنوا مریم ابنت عمران التي احصنت فرجها فنفخنا فيه من روحنا و صدقت بكلمات ربها و كتبه و كانت من القانتين »<sup>۱</sup>

و مریم دختر عمران که خود را پاکدامن نگاه داشت و در او از روح خود دمیدیم و سخنان پروردگار خود و کتابهای او را تصدیق کرد و از عبادت پیشگان بود .

مریم با نذر مادرش به بیت المقدس سپرده شد او تحت تکفل حضرت زکریا (ع) قرار گرفت و به عبادت خدای یکتا پرداخت ، آنچنان به دعا و نماز پرداخت و رکوع ، سجود و قیام را انجام می داد که نمونه بارز « قانتین » شده و دختر برگزیده جهان گردید لذا قرآن می فرماید :

« يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَ طَهَّرَكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ »<sup>۲</sup>

ای مریم ؛ خداوند تو را برگزید و پاکیزه ساخت و بر زنان برتری بخشید .

مادر حضرت مریم ، حنانه ، اسوه صداقات است ؛ آن جا که نذر کرد اگر خداوند به او فرزندی عنایت کند ، او را به خدمت گذاری بیت المقدس بگمارد .<sup>۳</sup> این نذر ، بیانگر آن است که قلب حنانه آنچنان سرشار از ایمان ، صداقت ، اخلاص و پاکی بود که عزیزترین کس و یگانه فرزند خود را برای خدا نذر کرد . خداوند نیز به او مریم را بخشید و حنانه را به خوبی پذیرفت و چون شکوفه ای پرورش داد .<sup>۴</sup>

## حضرت خدیجه ، الگوی وفاداری

حضرت خدیجه با اینکه در ابتدا مسیحی بود ، چون حالات پیامبر (ص) را از دانشمندان شنیده بود و از نزدیک سیمای پیامبر خدا را دید ، به او ایمان آورد و با پیامبر ازدواج کرد . این بانوی بزرگ ، برای رضای خداوند سبحان ، و کمک به پیامبر ، تمام اموالش را در اختیار رسول خدا (ص) قرار داد و پیامبر هم آن را در راه پیشبرد اسلام و مستضعفین مصرف نمود ، از اموال تنها دو پوست باقی مانده است که روز و شب از آن بهره می گیریم .

او نه تنها اموالش را صرف اسلام کرد ، بلکه از پیامبر (ص) حمایت جانبه نمود ، شریک غمهای پیامبر (ص) و نوازشگری مهربان برای آن حضرت بود . و این امر باعث شد رسول خدا (ص) هرگز مهربانیها و فداکاریهای خدیجه را فراموش نکرد و هرگاه به یاد او می افتاد بر او درود و رحمت می فرستاد .<sup>۵</sup> او که یکی از چهار زن بزرگ تاریخ است که بهترین زنان بهشت می باشند .

۱- تحریم ، ۱۲ .

۲- آل عمران ، ۴۲ .

۳- آل عمران ، ۳۵ .

۴- محمود اکبری ، برای ریحانه (رهنمودهایی برای دختران جوان) ، ص ۱۴۹ ، ناشر گلستان ادب ، قم ، چاپ هفتم ، ۱۳۸۰

۵- اسدا... محمدی نیا ، بهشت جوانان ، (آنچه باید یک زن و مرد بدانند) ص ۶۰ ، ناشر سیف اکبر ، چاپ غدیر ، لیتوگرافی ، کوثر ، بهار ۱۳۸۶ ، قم .

پیامبر اکرم (ص) می فرمایند : ان افضل النساء اهل الجنه خدیجه خویلد ، و فاطمه بنت محمد ، و مریم بنت عمران و آسیه بنت مزاحم . برترین زنان بهشت خدیجه دختر خویلد و فاطمه بنت محمد و مریم دختر عمران و آسیه دختر مزاحم (همسر فرعون) هستند .<sup>۱</sup>

## ساره ، الگوی خانه داری

یکی از جلوه های شخصیت و کمال ساره ، همسر حضرت ابراهیم ، در خدمت و پذیرایی از میهمانان همسرش نمودار بود به طوری که همواره برای خدمت به میهمانان آماده بود . حضرت ابراهیم (ع) بسیار مهمان نواز و اغلب با میهمانان غذا می خورد . ساره در میهمانداری ، مهارت فراوانی داشت به گونه ای که روزی در مدت کوتاهی گوساله بریان شده ای را برای مهمانان همسرش آماده کرد .

قرآن می فرماید :

فَمَا لَبِثَ أَنْ جَاءَ بِعِجْلٍ حَنِيذٍ<sup>۲</sup>

دیری نگذشت که گوساله ای بریان آورد .

ساره ، از ایمانی سرشار برخوردار بود ، با فرشتگان همدم بود و با آنان سخن می گفت ، پاداش این همسر فداکار این بود که در سن پیری به او بشارت دو فرزند داده شد که هر کدام رسالت پیامبری را بر عهده گرفتند .

## عائده ؛ خواهر حضرت موسی ، اسوه درایت

خواهر حضرت موسی (ع) به دستور مادر ، در پی صندوق برادرش حضرت موسی (ع) از کنار ساحل روان شد تا به کاخ فرعون رسید . با تدبیر و شهامتی بی نظیر ، وارد قصر شد . درست وقتی رسید که فرعونیان در جستجوی دایه ای بودند تا موسی (ع) را شیر داده و پرستاری کند ، آنان درمانده بودند . چون هر زنی را می آورند ، این کودک شیرش را نمی خورد ، خواهر موسی پیش رفت و با لحنی مؤدبانه گفت :

« هَلْ أَذْلَكُمُ عَلَى مَنْ يَكْفُلُهُ »<sup>۳</sup>

« می خواهید زنی را به شما معرفی کنم تا سرپرستی موسی را به عهده گیرد ؟ ! »

۱- زهرا برترین بانوی جهان ، مکارم شیرازی ، ص ۶۱ .

۲- هود ، ۶۹ .

۳- طه ، ۴۰ .

فرعونیان پیشنهاد او را پذیرفتند و به دنبال او رفتند تا به خانه مادر موسی رسیدند و بدین وسیله ماهرانه مسئولیت خود را با شهامت و درایت انجام داد .

### یوکابد ، مادر موسی ، الگوی تسلیم

مادر موسی (ع) نمونه تسلیم در برابر فرمان خدا بود . تا آن جا که فرزند دلبنده و ثمره وجودش را به فرمان خدا به دریا افکند .

وقتی موسی (ع) متولد شد ، مادرش از این که مأموران فرعون متوجه شوند و فرزندش را به قتل برسانند هراسان شد . در این هنگام ، خداوند به مادر موسی (ع) الهام کرد که او را در صندوقچه ای بگذارد و به دریا (رود نیل ) بیندازد .<sup>۱</sup> او نیز تسلیم شد و به دستور خداوند ، موسی (ع) را داخل صندوقچه گذاشت و در رود نیل رها کرد . با توکل به خدا منتظر سرنوشت نور چشمش شد . خداوند نیز این زن مؤمنه را در انتظار نگذاشت و خیلی زود فرزندش را به او برگرداند تا چشمش بدو روشن شود .

### دختران شعیب اسوه حیا

صفورا ، دختر شعیب پیامبر ، به همراه خواهرش لیلا ، هر روز گوسفندان را به چرا می بردند ، زیرا پدرش پیر بود . موسی به هنگام مهاجرت به مدین ، دید مردان بسیاری سر چاهی هستند و برای خود از چاه آب در می آورند ، اما دختران شعیب از شدت حیا نمی توانند در جمع آنها حاضر شده و آب مورد نیاز خود و گوسفندانش را از چاه در آورند . حضرت موسی رفت و گوسفندان شعیب را آب داد ، ظرف های آنها را پر از آب کرد و در کناری نشست . پدرش او را به دنبال حضرت موسی فرستاد . او با حجب و حیایی که داشت پیش موسی آمد و گفت : « پدرم شما نزد خود دعوت کرده تا پاداش خدمت تو را بدهد . »<sup>۲</sup>

### همسر زکریا اسوه صالحات

« اشیاء » خاله مریم و همسر حضرت زکریا ، زنی صالح و خدا ترس بود ، وی پیر و نازا بود لکن خداوند به خاطر کمالات او و دعای حضرت زکریا (ع) ، حضرت یحیی (ع) را به وی عنایت نمود . خداوند از خصلتهای این خانواده چنین یاد می کند :

« و همسرش را برای او اصلاح کردیم ، زیرا این خانواده در نیکیها و کارهای خیر سرعت می گرفتند و دائماً در هر حال ما را می خواندند »<sup>۳</sup>

۱- طه ، ۳۷ .

۲- قصص ، آیه ۲۵ .

۳- انبیاء ، ۹۰ .

## حضرت زینب اسوه صبر و شجاعت

در مراتب ایمان و صبر این بانو تنها به ذکر چند نکته بسنده می کنیم .  
نوشته اند : این زیاد در کاخش در حالی که سر مقدس امام حسین (ع) رو به روی او بود به حضرت زینب گفت « چگونه دیدی آنچه خدا با برادرت نمود ؟

حضرت زینب (ع) فرمود : « ما رأیت إلا جمیلاً » در صحنه کربلا چیزی جز زیبایی ندیدم .  
حضرت زینب با سخنان خود چنان ابن زیاد را خشمگین ساخت که گویا تصمیم بر قتل حضرتش گرفت .  
آن بانوی مکرمه در مجلس و کاخ یزید نیز او را رسوا کرده و خطاب به او گفت : فکر می کنی اکنون که ما را اسیر کردی ، این بر مقام تو افزوده است !؟

سپس به او گفت : اَنِّی لَاسْتَصْغِرُ قَدْرَکَ . من تو را خیلی کوچک و پست می دانم .  
در شب یازدهم محرم و پس از واقعه جانگداز کربلا ، حضرت زینب (س) با اینکه شش برادرش شهید شدند ، همچنین شهادت دو فرزند خود ، پسران برادرش و پسر عموهایش را دید و از طرفی بچه های کوچک ، بی تابی آنها ، اسیر بودن در دست مردان پلیدی چون عمر بن سعد ، شکنجه از طرف دشمن و هر لحظه احتمال شهادت امام سجاد (ع) را تحمل می کرد . در همان شب با این مشکلات کمر شکن ، نماز شب خود را ترک نکرد . امام حسین (ع) چه زیبا خواهرش را شناخته بود که به او التماس دعا می گوید :

یا اُخْتَاهُ لَا تَسْئِئِنِی فِی نَافِلَةِ اللَّیْلِ .

خواهرم مرا در نماز شبت از دعا فراموش نکن .<sup>۲</sup>

## حضرت فاطمه (سلام الله علیها) اسوه ارزش ها :

حضرت فاطمه (س) در دامن خدیجه کبری از زنی پاک و وارسته ، ایثارگر و مؤمن ، پرورش یافت و نزد پیامبر بزرگ اسلام تربیت یافت . او چنان به قله کمالات راه یافته بود که به قول امام خمینی (قدس سره) اگر مرد بود ، به مقام نبوت می رسید . « او از هر نظر کامل بود از این رو ، اسوه تمام مردان و زنان با ایمان به شمار می رود . او اسوه متصدقات و انفاق در راه خدا بود .  
آیه ذیل بهترین دلیل آن است :

وَ یُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَی حُبِّهِ مِسْکِیْنًا وَ یَتِیْمًا وَ اَسِیْرًا اِنَّمَا نُطْعِمُکُمْ لِوَجْهِ اللّٰهِ لَا نُرِیْدُ مِنْکُمْ جَزَاءً وَ لَا شُکْرًا !<sup>۱</sup>  
« به خاطر دوستی با خدا ، به مسکین و یتیم و اسیر طعام می دهند و می گویند شما را به خاطر خدا اطعام می کنیم و پاداش و تشکری از شما نمی خواهیم »

۱- انبیاء ، ۹۰ .

۲- اسد... محمدی نیا ، بهشت جوانان ، ص ۹۴ .

۳- دهر ، ۷ .

حضرت زهرا (س) هم استاد سخن و معلم حجاب بود و هم رفتار او اسوه عفاف ، او مظهر ادب در برابر پدر بود و هرگاه رسول خدا (ص) نزد او می آمد ، از جای بر می خاست ، پدر را می بوسید و در جای خویش می نشاند .

گاه شبهای جمعه تا صبح ، به نماز و دعا می پرداخت و برای دیگران دعا می کرد . اما برای خود چیزی نمی خواست وقتی فرزندان خردسالش ، راز آن را می پرسیدند ، می فرمود : « اول همسایگان ، آن گاه اهل خانه ! »

او مظهر کمال ایمان و خلوص در بندگی بود ، قرب او در پیشگاه معبود ، به حدی بود که خشم و رضای او خشم و رضای پروردگار محسوب می شد . پیامبر اکرم (ص) می فرمود :  
هر که او را بیازارد ، مرا آزرده ، و هر که مرا بیازارد ، خداوند را آزرده است .  
و در جای دیگر می فرمایند :

« اِنَّ ا... يَغْضِبُ لِعْضَبِكَ وَ يَرْضَى لِرِضَاكَ »

خداوند به خاطر خشم تو خشمگین می شود و به خاطر رضای تو راضی . «

او از توان مالی خویش در راه محرومان نیازمند بهره می گرفت ، ساده زندگی می کرد ، از تجمل پرهیز داشت و سختی های دنیا را تحمل می کرد تا به شیرینی های آخرت برسد . وسایل زندگی اش ساده بود . در صحنه های اجتماعی دفاع از دین و پیشوا ، حاضر بود ، از جمله در جنگ احد ، شرکت داشت و به امدادگری و مداوای زخم های رسول ا... (ص) مشغول بود . آیین خانه داری و همسررداری را به خوبی مراعات می کرد و در زندگی ، شریک همسرش علی (ع) بود .

کارها میان علی (ع) و فاطمه (س) تقسیم شده بود . آوردن آب و تهیه هیضم و کارهای خارج از خانه بر عهده علی (ع) و آسیاب و خمیر نان و کارهای داخل خانه ، فاطمه (س) بود .

او همدم رنج ها و غصه های شوهر بود و او را پناه محسوب می شد ، علی (ع) می فرمود :

وقتی به خانه می آمدم و به زهرا (س) نگاه می کردم ، تمام غم و اندوهم برطرف می شد . هرگز کاری نکردم که فاطمه (س) از من خشمناک و ناراحت شود . فاطمه (س) نیز هرگز مرا خشمگین نساخت . «

زهرا (علیها سلام) احیاگر یاد شهیدان و وفادار به خاطره ی عزیز آنان بود . روزهای دوشنبه و پنج شنبه به احد می رفت و مزار شهدای احد و جناب حمزه را زیارت می کرد و چون در صحنه احد حضور یافته بود ، به عنوان یک شاهد زنده حوادث را برای دیگران تشریح می کرد .

در مسائل اجتماعی و سیاسی جامعه اسلامی بی تفاوت نبود جبهه حق را یاری می کرد . و پس از رحلت پیامبر که خلافت را غصب کرده و فدک را از او گرفتند ، همراه زنان بنی هاشم به مسجد آمد و در جمع مسلمانان حاضر ، ضمن خطبه ای که پشت پرده خواند ، از بدعت ها ، ستم ها ، حق کشی ها و فراموش کردن وصیت پیامبر (ص) و احیای سنت های جاهلی انتقاد کرد .

او از اثبات حق و مقابله با انحراف در رهبری امت اسلامی را تکلیف خود می دانست . گاهی شب ها به همراه علی (ع) به در خانه مهاجران و انصار می رفت و وصیت پدرش را به یادها می آورد و آنان را به دفاع از حق امام و شوهرش در مساله خلافت و حق خودش فرا می خواند .

خلاصه این که حضرت فاطمه (س) مظهر یک « دختر » در برابر پدرش ، مظهر یک « همسر » در برابر شویش ، مظهر یک « مادر » در برابر فرزنداناش ، و مظهر یک « زن » مبارز و مسئول برابر زمان و سرنوشت جامعه اش بود .

او اسوه صبر و مقاومت بود . حضرت علی (ع) می فرماید :

« فاطمه زهرا (س) آن قدر از چاه آب کشید که اثر آن بر سینه اش باقی ماند و آن قدر به وسیله آسیاب ، آرد کرد که دستهایش پینه بست و آن قدر به نظافت خانه و آشپزی پرداخت که به سختی و زحمت افتاده »<sup>۱</sup>

---

۱- مطالب برگرفته از کتاب برای ریحانه ، محمود اکبری ، ص ۱۴۵-۱۴۹ .